



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادینی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights

میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا

Sadegh Feteili

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Lecturer at Ahwaz University of Science and Technology, Ahwaz, Iran (Corresponding Author)

صادق فتیلی
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه علمی و کاربردی اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
sadgh.fatele56@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-7094-550x>

Sayyed Mohammad Salehi

Master of Laws, Lecturer at Ahwaz Comprehensive University of Applied Sciences, Ahwaz, Iran

سید محمد صالحی
کارشناس ارشد حقوق، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی اهواز، اهواز، ایران
moghadam2014@gmail.com

Abstract

After the system based on correction and treatment and the failure of the prison project, the second generation of punishment came into being, which was introduced as the restorative justice system, but in recent years, the third generation of punishment called participatory justice was discussed and accepted in legal circles and doctrine. However, with the clarification of the policy of restorative and participatory justice, the tendency towards it has increased even more and it has become more and more successful. The Islamic Penal Code also comes under various headings, such as alternatives to imprisonment and semi-liberty. Because the involvement of victims and offenders in criminal matters will be a kind of participation in punishment and participation in the rehabilitation of the offender and the return of the third side of the criminal justice system to society, in a general expression when the legislator from the title and word "can" It means that it wants to expand participation, which is more prominent in the new law on reducing the punishment of imprisonment. This research has been compiled in a descriptive and analytical manner, so that it can be considered.

Keywords: Participatory Justice, third Generation, Criminal Justice, Criminal Justice, Around Litigation.

چکیده

بعد از نظام مبتنی بر اصلاح و درمان و شکست پروژه زندان، نسل دوم از مجازات با به عرصه وجود گذاشت که به نظام عدالت ترمیمی معروف شد، اما در سال‌های نه چندان دور نسل سوم مجازات به نام عدالت مشارکتی در محافل حقوقی و دکترین بحث و مورد پذیرش قرار گرفت. ولی با روشن شدن سیاست عدالت ترمیمی و مشارکتی گوی سرعت تمایل به سمت آن هم بیشتر و مورد اقبال قرار گرفته است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در چند ماده بحث میانجیگری و حل فصل دعای آمده است و این نگاه حتی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تحت عناوین مختلفی آمده است که می‌توان به مجازات جایگزین حبس و نظام نیمه آزادی اشاره نمود. چراکه دخالت دادن بزه‌دیدگان و بزه‌کاران در امر جزایی نوعی مشارکت در مجازات و مشارکت در بازپرو فرد بزه‌کار و بازگرداندن ضلع سوم نظام عدالت کیفری به جامعه خواهد بود. در یک بیان کلی وقتی قانون‌گذار از عنوان و لفظ «می‌تواند» استفاده می‌کند یعنی مشارکت را در حال گسترش دادن می‌خواهد که این امر در قانون کاهش مجازات حبس به نوعی پررنگ‌تر شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: عدالت مشارکتی، نسل سوم، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری، اطراف دعوا.

Received: 2022/01/09 - Review: 2022/05/18 - Accepted: 2022/06/07

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

ارجاع:

فتیلی، صادق؛ صالحی، سید محمد؛ (۱۴۰۱)، میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

اعمال مجازات بر افرادی که ناقض هنجارهای جامعه می‌شوند، سابقه‌ای به قدمت تاریخ جوامع انسانی دارد، چراکه لازمه حیات یک نظام اجتماعی قابل زیست، از یک سو تبعیت و پیروی از قوانین و مقررات و از سوی دیگر، مجازات قانون شکنان است. این قوانین و مقررات در گذر زمان، در جوامع مختلف اشکال گوناگونی داشته و در مقاطع زمانی مختلف، دستخوش تغییر بوده است. البته در این مسیر، همواره با چالش‌هایی نیز مواجه بوده است.

امروزه یکی از چالش‌های اساسی در بحث قوانین، این است که توسل بیش از حد به ضمانت‌اجراهای کیفری، باعث محدود شدن آزادی‌های افراد، تحمیل هزینه‌های زیاد به دولت‌ها و بر عملکرد دستگاه قضا شده است. به‌عنوان یک راه‌حل، قانون‌گذار غالباً راهبردهای عقب‌نشینی نظام کیفری را در قالب سیاست‌های جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی پیش‌بینی کرده است. در این میان کیفرزدایی به‌عنوان یک راهبرد اساسی در سیاست جنایی کشورها، بیش از سایر سیاست‌های عقب‌نشینی نظام کیفری، مورد نظر جرم‌شناسان قرار داشته است؛ زیرا با حفظ مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زودده شده است، محظورات و محدودیت‌های کمتری به سایر سیاست‌ها دارد. نظریه‌های مختلف کیفری فواید و مضرات فراوانی را برای این مجازات بر شمرده‌اند، اما در حال حاضر تیغ بران کسانی که از مجازات سلب آزادی دم می‌زنند و دور زمان به آن افتخار می‌کنند کند شده و دیگر بران نیست، کسانی که

مخالفین مجازات زندان را تخطئه و آن‌ها را منزوی می‌کردند. با گذشت زمان جوامع رفته رفته به این نظر رسیده‌اند که طرح زندان و سلب آزادی افراد دیگر جواب گو نیست و اسب ترک تاز آن‌ها پیر و فرتوت شده و دیگر پروژه زندان شکسته خورده است.

حرکت به سمت عدالت ترمیمی و مشارکتی و نیز زندان زدایی روش نوینی است که جوامع بشری بعد از پروژه اصلاح و درمان به سمت آن گرایش پیدا کرده‌اند. اگر روزی مکاتبی همچون مکتب تحقیقی ارتکاب جرم را خارج از اراده بزه‌کاران می‌دانستند و جامعه را در پرورش مجرم مقصر می‌دانستند حال جرم‌شناسان به این درک و فهم رسیده‌اند که مجازات سالب آزادی به هزار و یک دلیل جامعه را از بزه و بزه‌کاری محافظت و نظم و امنیت او را تأمین نمی‌کند، شاید همین دلایل است که نهادهای مدرن کیفری تلاش می‌کنند تا با اعمال نهادهای نوین از مضرات مجازات زندان برای فرد، خانواده او و جامعه بکاهد و با نرزش در مجازات مجرمین را بدون اثرات منفی یا حداقل با کمترین تلفات اصلاح و به جامعه برگرداند. مکتب فایده‌گرا^۱ بر این عقیده‌اند که از محکومیت کیفری است که نهاد مجازات توجیه می‌شود، از نظر رویکرد ابزارنگر که یکی از زیرشاخه‌های آن است مجازات وسیله و ابزاری است برای نیل به غایت مطلوب و دستیابی به اهدافی که مدنظر است. براساس این دیدگاه اگر ابزار مجازات بتواند دسترسی به اهداف مورد نظر را امکان‌پذیر سازد قابل پذیرش است و مجازات همانند جرم، مصداق شرح عمل غیراخلاقی است. در این غایت محور، خط قرمز تمام تصمیم‌گیری‌ها تنها و تنها اهداف تعیین شده است و دغدغه‌های دیگر متصور و مطلوب این نوع نگاه مبتنی است بر رویکرد آینده‌نگر. آینده با آنچه به تبع عملکرد فعلی قرار است در ظرف زمانی پیشرو تحقق یابد، دل‌نگرانی واقعی است و غیر از آن، نبایست در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر داشته باشد (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰، ۲).

جرمی که در گذشته واقع و تمام شده است درحالی‌که آینده زمان لایتناهی و نامحدود است. هرچند در گذشته واقع شده و به‌طور مستقیم بزه‌دیده را تحت تأثیر قرار داده است اما جرایم در آینده امکان تأثیر بر هر شخص را دارند. لذا باید برای آن چاره‌ای اندیشید. کاهش جرم در آینده مطلوب نهایی و عوامل توجیه‌کننده‌ای برای آن‌ها است، در حقیقت حمایت اجتماعی و کنترل جرم اقتضا دارد که با همین موارد برخورد شود. چرا جوامع بشری به دنبال بازکردن راه‌ها و مسیرهای هستند که به مجازات جنبه علمی و مشارکتی دهند، اینکه از قدیم‌الایام نظام آزادی مشروط، تعلیق و تعویق مجازات و سایر تخفیفات و

نرمش‌ها را در مقابل مجرم نشان دهند پس جایگاه بزه‌دیده و جامعه در کجای مجازات قرار دارد، آیا به دنبال این هستیم که جامعه مجازات کردن کسی که نظم و هنجارهای آن را مورد خدشه قرار داده را به بوته فراموشی بسپارد؟ این طور نیست، رضایت جامعه از مجازات یک امر انتزاعی است و بزه‌دیده هم که باید در اجرای برخی مجازات به نحوی مشارکت داده شود، هم رضایت او جلب می‌شود و نوعی جبران خسارت خواهد شد.

این که در اینجا ممکن است فراموش شود فرد بزه‌کار است که صرف‌نظر از علت و عوامل بزه آن، به نوعی از جامعه رانده می‌شود و رانده‌شدن آن از جامعه باعث می‌شود نسبت به آن موضع هجومی بگیرد و هر اتفاق یا نارسایی در زندگی به آن دچار شود، جامعه را مقصر بشمارد و در صدد انتقام بر خواهد آمد و به ضد آن تبدیل خواهد شد. رهاکردن بزه‌کار در جامعه امری محکوم و خطری مضاعف است، در این مقطع زمانی با ورود عدالت ترمیمی و مشارکتی به موضوع ضمن بررسی ویژگی‌های فرد بزه‌کار، با آگاهی از درجه خطرناکی و قدرت سازگاری و هماهنگی او با ضوابط و معیارهای اجتماعی به ارائه درمان‌های ضروری پرداخته و هدف دور کردن او از مجازات و جلب نظر و رضایت بزه‌دیده به نوعی بزه‌کار را بازاجتماعی کرده و از آلودگی مجدد و تکرار جرم جلوگیری می‌شود.

۱- اصل حق اطلاع و آگاهی از حقوق در قانون آیین دادرسی کیفری

حرکت به سمت عدالت در جوامع بشری در تمام قرون بستگی به ضمانت‌های اجرایی است که بتوان این عدالت را به موقع اجرا گذاشته و اگر حقی برای کسی قائل شویم، ولی در عمل نتوان از آن بهره برد کاری بس بیهوده انجام شده است. حقوقی مانند جاری‌بودن اصل برائت برای متهمان تا قبل از صدور حکم محکومیت قطعی پرونده، حق دادرسی عادلانه، وجود قاعده انصاف در رسیدگی، رعایت بی‌طرفی قضات در کلیه مراحل از زمان رسیدگی و تحقیق تا صدور رای و اجرای حکم، ارجاع امر به میانجیگری و نیز ارجاع برخی امور به ضابطین و کارشناسان دادگستری «که بازوان اجرایی مقام قضایی هستند» تا هنگام رسیدگی به پرونده و برخورداری متهم از حق سکوت، حقی که در برخی از مراجع انتظامی تا حد نسبتاً زیادی رعایت و به رسمیت شناخته‌نشده و حق انتخاب و کیل در دعاوی تا آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی و تمامی حق‌هایی که برای افراد در قانون در نظر گرفته شده، اگر ضمانت‌اجرایی نداشته باشد هیچ حقی را به اجرا در نیاورده و حتماً حقوقی را هم ضایع کرده‌ایم. حق اطلاع از قوانین یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی حقوقی در قالب پیشرفت جوامع مدنی است که به روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد، اینکه

اطراف دعوا از چه حقوقی در قبال هم برخوردار هستند، حق داشتن وکیل، حق محاکمه عادلانه و سایر حقوقی که در قوانین در نظر گرفته شده است.

با این حال شاید به جرئت بتوان گفت که نسل سوم عدالت، عدالت کیفری مشارکتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به نوعی برجسته‌تر از قوانین قبلی آمده است. چراکه این نوع نگاه باعث درگیر کردن طرف‌های دعوا در امور کیفری خواهد شد. رها کردن اطراف دعوا ممکن است باعث بروز برخی مشکلات در آینده شود و یا جذب این افراد به این نظام‌های مشارکتی یا ترمیمی^۲ ایمن‌سازی جامعه را در بر خواهد داشت. چراکه تأسیس نظام‌هایی مانند نظام نیمه آزادی^۳ بدون مشارکت اطراف دعوا در مقام اجرا امکان‌پذیر نخواهد بود. حق اطلاع و آگاهی این نوع نظام‌های مشارکتی و ترمیمی وظیفه حاکمیت است تا جامعه با اطلاع از این حقوق زمینه مشارکت را فراهم آورد و این مطلوبیت یک نظام عدالت محور است.

یکی از خصیصه‌ها و ابزار کار و کلا آگاهی از آخرین قوانین است، لذا اگر هم عموم مردم از آخرین تغییرات اطلاع نداشته باشند مشکل خاصی پیدا نمی‌گردد، اما در کشور ما به علت نبود سیستم قضایی و کالالتی، پیگیری پرونده‌های عمدتاً توسط مردم صورت می‌گیرد و عدم اطلاع از قوانین، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کند که نهایتاً منجر به اطاله دادرسی می‌شود. پس اطلاع از قوانین و امتیازاتی که اطراف دعوا دارند موجب گسترش عدالت، کاهش هزینه‌ها، بهتر شدن روابط در جامعه، کاهش نزاع‌های مدنی و بالا رفتن سطح تحمل و پذیرش اجتماعی خواهد شد.

با جمع شرایط یکی از بهترین راه‌ها برای جذب افراد در حل و فصل دعاوی، حل آن از طریق مشارکت دادن افراد بزه‌کار است که باعث بر هم زدن هنجارهای جامعه می‌شود. معمولاً بزه‌کاران با تحمیل برخی هزینه‌ها بر جامعه نقشی در ترمیم و تعدیل آن ندارند و فقط متحمل مجازات خواهند شد که این مجازات برای برخی از بزه‌کاران یک امر عادی است، البته این بیان نافی خساراتی که بزه‌کار و خانواده او از قبل این مجازات متحمل می‌شوند نیست، اما وارد کردن بزه‌کاران به مجازات و تحمیل کردن بخشی از این هزینه‌ها به آن‌ها و بعد به خانواده آنان به نوعی مسئولیت‌پذیری آنان را بالا خواهد برد که این دخالت دادن باعث تقویت نظام عدالت کیفری می‌شود. با این حال یکی از دروازه‌های ورود به نظام عدالت

2- Participatory or restorative

3- Semi-liberty system

مشارکتی امر میانجیگری و نیز اجرای برخی مجازات با قبول توسط بزه کار مثل مجازات جایگزین حبس، آزادی مشروط و نیمه آزادی است که بدون رضایت آن‌ها امکان اجرا وجود نخواهد داشت.

۲- سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی یعنی مشارکت جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در فرایند رسیدگی کیفری. مشارکت مردم می‌تواند به روند رسیدگی کمک شایانی نماید هم از نظر سرعت رسیدگی و هم اینکه فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌تواند به گزارش‌دهی و همکاری با مسئولین و همچنین پیشگیری از وقوع جرم کمک نماید. سیاست جنایی مشارکتی تضمین امنیت جامعه با ترکیب هوشمندی پیشگیری و پاسخ‌دهی به مجازات و بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران است. در واقع امنیت به‌عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد، لذا از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک ناپذیرند که همه سیاست‌گذاران جنایی آن را درک کرده‌اند، می‌توان گفت که سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید. برای نمونه، برخی کشورها اقدام به تهیه قراردادهای محلی امنیت که میان نهادهای دولتی و محلی امضاء می‌شود نموده‌اند و در واقع در این کشورها قراردادهای محلی نمونه‌ای از تحقق اهداف سیاست جنایی مشارکتی است که مؤلفه‌های پیشگیری مشارکتی در ابعاد گسترده، میانجیگری کیفری حمایت از بزه‌دیده و گسترش امنیت اجتماعی در سطح مختلف است. به این ترتیب هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی یعنی تأمین امنیت می‌تواند با هم جواری زمانی و مکانی سیاست‌گذاری‌های دولتی، رسمی و جامعه‌ی یعنی از رهگذر «پیشگیری و سرکوب کیفری»^۴ بزهکاری و نیز بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران جایگاه واقعی خود را بیابد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۲۶).

یکی دیگر از شاخص‌های عدالت ترمیمی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ است که تضمینات اصل فردی کردن مجازات‌ها، توجه به سوابق بزهکار است. در این راستا ماده «۱۱»^۵ قانون مذکور در مقام احصاء جرایم قابل گذشت، با اعمال این سیاست کیفری، ضمن گسترش دامنه

4- Prevention and criminal repression

۵- ماده ۱۱: «... و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد...»

جرایم قابل گذشت، بین مجرمین با سابقه و بدون سابقه تمایز قائل شده و واکنش متفاوتی نشان داده است. این شیوه از سیاست تقنینی، گامی به سمت عدالت کیفری است.

ایجاد مشارکت و تبادل آرا و افکار میان مردم یک جامعه با فرهنگ‌های مختلف، ضمن آشنا ساختن اقدار مختلف با یکدیگر و شکل‌گیری و تولد احساس بی‌تفاوتی در برابر آنچه در محیط جامعه می‌گذرد جلوگیری نموده و نوعی وفاق و همبستگی را سبب می‌شود که پیامدهای سازنده ناشی از آن شامل افزایش امنیت و کاهش پدیده مجرمانه، تسهیل روند توسعه، امنیت اخلاقی و سلامت فرهنگی-اجتماعی به‌ویژه در میان جوانان، جلوگیری از انفعال و افزایش نظارت همگانی بر نهادهای اجرایی به‌طور مستقیم یا غیر آن و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کشور ما از تحولات مربوط به عرصه سیاست جنایی مشارکتی بی‌بهره نمانده است و به مرور شاهد رشد نوعی از سیاست جنایی مشارکتی در قالب نهادهای مردمی و نهادهای دیگری در کشور بوده‌ایم که نشانگر تغییر رویکرد قانون‌گذار در عرصه سیاست جنایی کشور بوده است. در همین راستا در برنامه پنج ساله توسعه قضایی به مواردی همچون ضرورت کاهش تصدی حکومت در حوزه قضایی، افزایش میزان مشارکت شهروندان، توجه به حقوق و آزادی‌های فردی و عدم محدودیت‌های غیرضروری، متناسب‌سازی پاسخ به جرم با نوع جرم ارتكابی، استفاده از نهادهای شبه قضایی توجه ویژه گردیده که نتایج آن را به صورتی ملموس می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده کرد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۹۳). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رویکرد قانون سابق را در دولتی‌بودن فرایند دادرسی کیفری متحول کرد و مشارکت‌دادن شهروندان و نهادهای جامعه‌ی را در جریان دادرسی‌های کیفری تا حدودی پذیرفته است. به‌علاوه در مواردی نیز با مورد توجه قراردادن آموزه‌های عدالت ترمیمی و افزایش سهم بزه‌دیده در رسیدگی‌های کیفری مداخله شهروندان و نهادهای مردم نهاد را در امر دادرسی کیفری فراهم نموده است.

۱-۲- سیاست جنایی مشارکتی و نقش بزه‌دیده

ماده «۱۲» قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم قابل گذشت و مواد «۱۴»^۷، «۱۵»^۸، «۱۶»^۹، «۱۷»^{۱۰}، «۱۸»^{۱۱}، «۱۹»^{۱۲} و «۲۰»^{۱۳} قانون مذکور در مورد نقش مشارکتی زیان دیده در فرایند کیفری، مشارکت وی را ضمن بازسازی و تسهیل گسترش داده است. در تعیین مصادیق جرم مشهود به‌ویژه در بند «ب»^{۱۴} ماده ۴۵ و نیز ذکر واژه بزه‌دیده، شاهد توسعه مشارکتی بزه‌دیده در فرایند کیفری هستیم.

- ۶- ماده ۱۲: تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.
- ۷- ماده ۱۴: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
- ۸- ماده ۱۵: پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.
- ۹- ماده ۱۶: هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند، اما چنانچه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.
- ۱۰- ماده ۱۷: دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آن که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوی ضرر و زیان رسیدگی مینماید.
- ۱۱- ماده ۱۸: هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است.
- ۱۲- ماده ۱۹: دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می‌کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسئولیت هریک را مطابق مقررات مشخص کند.
- ۱۳- ماده ۲۰: سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.
- ۱۴- ماده ۴۵: جرم در موارد زیر مشهود است: ب- بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به‌عنوان مرتکب معرفی کنند.

۲-۲- سیاست جنایی مشارکتی و نقش متهم

قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای توجه به سیاست جنایی مشارکتی و همچنین اصلاح و بازپذیری بزهکار برای وی نیز نقش گسترده‌ای قائل شده است. به موجب ماده «۸۱»^{۱۵} قانون مذکور نهاد تعلیق تعقیب تنها با مشارکت متهم تحقق می‌یابد و در صورتی که متهم با این تصمیم موافق نباشد نمی‌توان از قرار تعلیق تعقیب استفاده کرد. در ماده «۲۴۷»^{۱۶} قانون مذکور در خصوص صدور قرار نظارت قضایی نقش متهم بسیار پررنگ است و همچنین در ماده «۲۱۷»^{۱۷} قانون فوق الذکر در راستای محدود کردن حبس پیش از محکومیت به توسعه نقش متهم تناسب قرار تأمین با وضعیت و شخصیت متهم ضروری است. لذا می‌بینیم حتی در تبصره یک^{۱۸} ماده ۲۱۷ در بحث قرارهای تأمین کیفری قانون گذار به اراده و خواست متهم نیز توجه کرده است. از دیگر مصادیق و مشارکت در فرایند کیفری ماده «۴۴۲»^{۱۹} قانون مذکور است که به متهم این حق را داده است که تا پیش از مهلت تجدیدنظرخواهی با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی خود تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت اعطای تخفیف تکلیف مرجع

۱۵- ماده ۸۱: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند: ...

۱۶- ماده ۲۴۷: بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند: ...

۱۷- ماده ۲۱۷: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند: ...

۱۸- تبصره ۱: در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود.

۱۹- ماده ۴۴۲: در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

قضایی است، هرچند میزان آن را قانون‌گذار به نظر قاضی دادگاه سپرده است مشروط به اینکه از یک چهارم مجازات تعیین شده بیشتر نباشد (فرهمنده، ۱۳۹۶، ۱۴).

۳-۲- حق بزه‌کار در استفاده از میانجیگری در حل و فصل دعاوی

میانجیگری کیفری، فرایندی سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، براساس توافق قبلی شاکی «بزه‌دیده»^{۲۰} و متهم «بزه‌کار»^{۲۱} با حضور شخص ثالث به نام میانجیگر یا میانجی، به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم، آغاز می‌شود. در بندهای «الف»^{۲۲} و «ث»^{۲۳} ماده ۱ آیین نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ میانجیگری تعریف شده است.

شخص میانجی ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی و یا مؤسسه باشد که به این منظور طبق قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات غیرتجاری تأسیس می‌شود، یا سایر مؤسسات به تشخیص مقام قضایی است. شخص میانجی در فرایند میانجیگری مشارکت و مداخله داشته و وساطت میان بزه‌کار و بزه‌دیده را برای حصول سازش و توافق بر عهده می‌گیرد. به‌طورکلی مشارکت انجمن‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی، یکی از جدیدترین پدیده‌هایی است که در فرایند کیفری شکل گرفته است. در واقع شیوه‌های سنتی حل و فصل اختلافات در خارج از نظام کیفری و توسط مراجع اجتماعی مانند میانجیگری، داوری و صلح و سازش که به صورت عرفی و غیررسمی در بسیاری از جوامع بشری متداول بوده است با پیدایش اندیشه‌های «کیفرزدایی»^{۲۴} و «قضازدایی»^{۲۵} و به‌ویژه «عدالت ترمیمی» دوباره مطرح و نوسازی شده است و با شیوه‌های مختلفی در سراسر دنیا در حال اجرا و گسترش است. در واقع سیاست حل فصل دعاوی به

20- Victim

21- Delinquent

۲۲- الف: میانجی‌گری؛ فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفت‌وگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌شود.

۲۳- ث: فرایند میانجیگری؛ مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجیگر و با حضور بزه‌دیده و متهم و در صورت ضرورت سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آنها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذی‌ربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقت‌نامه‌ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.

24- Punishment

25- Irony

روش سنتی چیزی شبیه استفاده از پزشکی سنتی در درمان برخی بیماری‌ها است که گرایش به سمت آن روز به روز بیشتر و جلوه‌های تازه‌تری به خود گرفته، با این حال در کشور ما خصوصاً مناطق جنوبی و در میان اقوام عرب و لر در آیینی به نام «فصل» در قوم عرب و «خون بست» در میان قوم لر بحث میانجیگری دارای قدمت تاریخی است، چراکه این آیین ختم‌دهنده بسیاری از دعاوی سخت چند ساله حتی جرایم قتل نیز شده است، البته از دیدگاه برخی منتقدان امر میانجیگری، میانجیگری را در دعاوی که یک طرف آن جوانان باشند مفید ندانسته و باعث تجری و زمینه‌ساز جرایم بعدی می‌داند و یادآورکننده ضامن جریره در قوانین مجازات اسلامی است.

در بخش دوم از ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، چنین آمد است «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، به دادستان اجازه داده تا موضوع شکایت بزه‌دیده را با موافقت وی و درخواست متهم، به میانجیگری شورای حل اختلاف، شخص یا مؤسسه‌ای که برای میانجیگری ایجاد شده است ارجاع نماید تا طی سه ماه برای حصول سازش میان طرفین اقدام کند». به علاوه به موجب قسمتی از مفاد ماده ۱۹۲ همان قانون نیز: «... در جرایم قابل گذشت... بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع به میانجیگری کند». اینکه قانون‌گذار ارجاع تحقیق از شاکی و متهم را ابتدا به صورت انفرادی انجام دهد و در صورت امکان سعی در ایجاد صلح و سازش کند و ارجاع امر را به میانجی تجویز کند به شکلی برای اطراف دعوا فرصتی ایجاد می‌کند تا از ایجاد بزه برای بزه‌کار و ثبت در سجل کیفری جلوگیری نموده، این رویکرد به نفع بزه‌کار است، چراکه به نحوه شایسته از شدت مجازات کاسته و برای جبران کردن ضرری که به بزه‌دیده آمده است، جلوه دیگری از توسل به میانجیگری برای بزه‌کار خواهد بود و به دیگر سخن باعث عفو او از مجازات خواهد شد (فرهمنده، ۱۳۹۶، ۱۳۸).

مقررات ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با امکان ارجاع موضوع به منظور حصول سازش میان بزه‌کار و بزه‌دیده در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت مبین تمایل قانون‌گذار به میانجیگری کیفری جامعه توأم با نظارت مقام قضایی است. چراکه ضمن توجه به سیاست جنایی مشارکتی که توأم با جلب همکاری شهروندان و نهادهای جامعه مدنی برای قضا‌دایی و پرهیز از استفاده از پاسخ‌های سرکوب‌گرانه به جرم است؛ جلوه‌ای از عدالت ترمیمی است که تا اندازه‌ای عدالت کیفری را به عدالت مدنی نزدیک کرده و مرزهای سنتی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی را کمرنگ می‌کند.

با این حال باید توجه داشت که فرایند میانجیگری در جریان دادرسی‌های کیفری همواره توأم با جلب مشارکت افراد دخیل در موضوع کیفری و سایر شهروندان و نهادهای جامعه مدنی است. در واقع بدون مشارکت و همکاری این اشخاص، امکان حصول سازش از طریق میانجیگری و ترمیم خسارات و آلام وارد بر بزه‌دیده وجود ندارد؛ زیرا فرایند میانجیگری به موجب مقررات صدر ماده ۸۲ مستلزم موافقت بزه‌دیده و مشارکت او در جریان میانجیگری است و از طرفی دیگر امکان ارجاع امر به میانجیگری بدون درخواست متهم وجود ندارد. چراکه مشارکت بزه‌دیده در میانجیگری پایه اصلی است، در غیر این صورت نه امر میانجیگری محقق می‌شود و نه سیاست عدالت مشارکتی به منته ظهور می‌رسد.

این حق از حقوقی است که قانون‌گذار ایجاد کرده همچون سایر حقوق مورد مطالبه فرد بزه‌کار از نظام عدالت کیفری است و همچون حق داشتن وکیل و سایر معاضدت‌های حقوقی خواهد بود. چراکه در انتهای ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت آمده که «بازپرس مکلف است در صورت امکان سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید» این تکلیف یادآور ماده «۶۳»^{۲۶} همین قانون در خصوص ضابطان دادگستری است که در صورت تخلف به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد، حال صراحت ماده مبنی بر تکلیف بازپرس به ارجاع امر به میانجیگری است و در صورت تخلف ممکن است به یکی از مجازات سیزده گانه قضایی محکوم گردد. احتمال قانون‌گذار به این حق برای حل و فصل دعوا نه به نفع بزه‌دیده است بلکه حل و فصل دعوا بیشتر به نفع بزه‌کار خواهد بود چراکه بزه‌کار در این امر با ضرر مضاعف مواجه شده اولاً مجازاتی که در انتظار او است و ثانیاً «جبران ضرر و زیان وارده به فرد بزه‌دیده»^{۲۷} که این احتمال است مورد عفو شاکی یا تراضی به کمتر هم بشود.

بدین ترتیب درحالی که «سیستم عدالت کیفری رسمی»^{۲۸}، در اعمال کیفر و دیگر ضمانت‌اجراها به صورت یک‌طرفه و تحمیلی عمل کرده و بزه‌کار قبل و بعد از محکومیت هیچ نقشی در تعیین سرنوشت خویش نداشته و از ابتدا تا انتهای ورود به چرخه نظام عدالت کیفری، حق انتخابی برای وی متصور نیست، در فرایند میانجیگری کیفری، مجرم آگاهانه و با علم و اختیار وارد فرایند میانجیگری می‌شود و در هر مرحله‌ای نیز می‌تواند از مشارکت خویش در این فرایند صرف‌نظر کرده و به سیستم دادرسی رسمی

۲۶- ماده ۶۳: تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)،

(۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفعال از خدمات دولتی است.

27- Compensation for damages to the victim

28- Formal criminal justice system

رجوع کند. پس در چنین فرایندی، مجرم از یک نقش آفرین منفعل در دستگاه عدالت کیفری رسمی، به یک نقش آفرین فعال در میانجیگری کیفری تبدیل می‌شود و با مشارکتی که در این فرایند از خود بروز می‌دهد و بر مبنای امکاناتی که در اختیار دارد در فرایند عدالت ترمیمی، داوطلبانه نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. در واقع قانون‌گذار نیز در تصویب مقررات ماده «۸۲»^{۲۹} قانون آیین دادرسی کیفری به نقش غیرقابل انکار جامعه مدنی در فرایند میانجیگری‌های کیفری بی‌توجه نبوده و اعمال دستاوردهای عدالت ترمیمی را توأم با اعمال سیاست جنایی مشارکتی مورد پذیرش قرار داده است. چراکه کاهش مجازات در نهایت باعث کاهش هزینه‌های مادی و معنوی خواهد شد، ورود پرونده‌ها به مراجع قضایی کاهش و اطلاع دادرسی به حداقل خواهد رسید در نهایت از هر گوشه‌ای که به این موضوع نگاه کنیم نفع آن از عدم نفع آن به مراتب بیشتر است و ارزش توسعه را دارد که نظام عدالت کیفری از نظام اصلاح و درمان گام در عدالت ترمیمی و در نهایت عدالت مشارکتی بگذارد.

۴-۲- حق بزه‌دیده در استفاده از میانجیگری

بدون تردید یکی از مهم‌ترین حقوقی که بزه‌دیده در جریان دادرسی دارد استفاده از راه‌هایی غیر از مرجع قضایی برای حل و فصل دعوا است که هم هزینه‌های مادی کمی داشته باشد و هم سرعت در رسیدن به خواسته مورد نظرش. میانجیگری در اصل برای تأمین امنیت بزه‌دیدگان مطرح بوده است. تحمیل بزه، تجربه ناخوشایند و هولناکی است که بزه‌دیدگان را در معرض احساس تهدید و ناامنی مستمر قرار

۲۹- ماده ۸۲: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از أخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

می‌دهد، زیان‌های روحی و روانی جبران‌ناپذیری را برای آن‌ها به دنبال می‌آورد و به همین دلیل میانجیگران باید به صورت چهره به چهره یا تلفنی با زه‌دیده ارتباط داشته باشند و از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از زه دیدگی مجدد و مضاعف وی استفاده کنند. به عقیده برخی، میانجیگران در هر مرحله از اجرای برنامه میانجیگری باید از خود بپرسند که آیا این اقدام منجر به تهدید و تخریب روحی بیشتر زه‌دیده نمی‌شود؟ در صورتی که زه‌دیده احساس ناامنی و تهدید کند، میانجیگران موظف به تأمین امنیت وی از هر طریقی که ممکن است می‌باشند. قانون آیین دادرسی کیفری در فرازی از مراجع رسیدگی به پرونده خواسته است که در صورت وجود خطر جانی برای زه‌دیده یا خانواده او از مراجع انتظامی درخواست تأمین امنیت وی نماید. اصولاً زه‌دیدگان تمایل دارند آنچه در جلسات میانجیگری بیان می‌شود به‌عنوان اسناد معتبر تلقی شده و قابل استناد باشد. در این صورت میانجیگران باید نسبت به یادداشت اطلاعات مبادله شده در جلسات اقدام نمایند.

۵-۲- حق انتخاب میانجی و خصوصیات میانجیگر

احترام به حق انتخاب میانجی برای میانجیگری برای زه‌دیده یکی از اصول مهم میانجیگری است. چراکه در نتیجه وقوع جرم، احساس آسیب‌پذیری، عدم توانایی و فقدان قدرت زه‌دیدگان را فرا می‌گیرد. به همین دلیل در ابتدای تحمل زه و تا مدتی چند، زه‌دیدگان کنترل و مهار زندگی و امور خویش را از دست می‌دهند و قادر به مدیریت امور خویش به روال سابق نیستند. «تجدید قوا»^{۳۰} یا بازتوانی زه‌دیدگان به این معنا است که آن‌ها بار دیگر بتوانند اوضاع را به حالت سابق برگردانند و با اعتماد به نفس، نقش خود را در جامعه و خانواده بازیابند. پس وظیفه مجریان برنامه میانجیگری ارائه اطلاعات و حمایت‌های لازم به زه‌دیده و کمک به وی در اتخاذ تصمیمات مفید و مناسب است.

نکته مهم دیگر، اجرای برنامه‌های میانجیگری، استفاده از زبان و ادبیات متناسب با اهداف و اصول عدالت ترمیمی و مشارکتی است. چراکه ورود به امر میانجیگری شرکت‌دادن اطراف دعوا در امر قضایی است که یا از طریق بزرگ‌منشی صورت می‌گیرد و گاه از طرق ارجاع امر از مراجع قضایی یا شبه قضایی است. لذا میانجیگران باید در استفاده از زبان و ادبیات حاکم بر جو روانی تسلط و دقت کافی داشته باشند. چراکه برخی عبارات و کلمات ممکن است موجب ایجاد سوءظن و یا انتظار و امید بیهوده شوند. برای مثال با توجه به نقش بی‌طرفی میانجیگر، وی نمی‌تواند خطاب به زه‌دیده یا بزهدار بگوید «شما باید» و جو

تحکمی به این داوری دهد و دیگر وظیفه میانجیگر آن است که اطلاعات لازم در اختیار طرفین قرار داده، آن‌ها را به اتخاذ تصمیم سازنده تشویق کند. میانجیگر همچنین باید از استعمال الفاظی همانند «بخشش» یا «آشتی و توافق» خودداری نماید و بزه‌دیده را در وضعیت اخلاقی و روحی خاصی که مجبور به اتخاذ تصمیم مساعد به حال بزه‌کار شود قرار ندهد. همچنین میانجیگر نباید با عباراتی همانند همه کارها درست خواهد شد، شما کاملاً به حق‌تان می‌رسید و غیره انتظار فوق‌العاده‌ای را در بزه‌دیده ایجاد کند. بهتر است در امر میانجیگری ابتدا بزه‌دیده حرف‌هایش را تمام و کمال بگوید و طرف‌های میانجی باید صبر و حوصله نمایند تا او تمام حرف‌هایش را بگوید و در مسیر این گفت‌وگو حرف‌هایش را تأیید کنند و به میان کلام او وارد نشوند و به نوعی به درد دل او خوب گوش داده تا به تشفی خاطر برسد، سپس وارد موضوع میانجیگری شوند.

از دیگر نکات مهم، ملاقات میانجیگر با بزه‌کار پیش از آغاز برنامه میانجیگری است. برای این منظور ضروری است میانجیگر ابتدا با بزه‌کار و سپس با بزه‌دیده ملاقات نماید. در صورتی که میانجیگر آغاز برنامه را با بزه‌دیده شروع و موافقت وی را جهت ملاقات با بزه‌کار اخذ نماید، لیکن بزه‌کار مایل به میانجیگری نباشد، نوعی بزه دیدگی مجدد در بزه‌دیده ایجاد می‌گردد، حقی که برای او ایجاد شده ضایع می‌شود، پس در ملاقات میانجیگر با بزه‌کار، میانجیگر باید توضیح دهد که بزه‌کار هیچ اجباری به مشارکت در میانجیگری ندارد. اجبار بزه‌کار به مشارکت نه تنها ممکن است منجر به حصول توافق و آشتی نگردد بلکه حتی ممکن است آثار منفی دیگری را برای بزه‌دیده در پی داشته باشد و موجب عمیق‌تر شدن اختلافات طرفین شود. میانجیگری فرایندی است که به بزه‌دیده فرصت و حق می‌دهد با بزه‌کار که شرایط را برای او سخت کرده ملاقات کند و در فضایی امن و آرام و با هدف حصول به آرامش و بهبودی و پاسخ‌گو نمودن مستقیم بزه‌کار جبران زیان‌های خود را تقاضا نماید. بزه‌کار در این جریان نباید به گونه‌ای صحبت کند که احساسات بزه‌دیده را تحریک کند چراکه بزه‌دیده در حال عقده‌گشایی و تخلیه نمودن عصبانیت خود است.

۳- سیاست جنایی مشارکتی و افزایش نقش شهروندان

در رویکرد جدید در قانون آیین دادرسی کیفری امکان مشارکت شهروندان برای جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم در جرم مشهود فراهم شده است، لذا در موردی که به واسطه عدم حضور ضابطان دادگستری در زمان و مکان ارتکاب جرم امکان فرار برای متهم یا برهم زدن صحنه جرم وجود

داشته باشد هریک از شهروندان می‌توانند در کسوت یکی از کنشگران نظام عدالت کیفری ظاهر شده و به جای پلیس اقدام لازم را جهت جلوگیری از فرار متهم از صحنه جرم به عمل آورد (تبصره یک ماده ۳۱.۴۵) در واقع ورود شهروندان عادی به نظام عدالت کیفری آن هم در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت بازپرس و دادگاه کیفری یک است با کمی ناپختگی همراه است، چراکه اولاً تشخیص درجه جرم برای مردم عادی امر ناممکن و سخت است و از طرفی نیازمند علم تشخیص است. ثانیاً ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گرفته و باعث تسویه حساب‌های شخصی هم شود و در نهایت امکان صدمه وارد آمدن به شهروندان به علت عدم مهارت در این امور قابل تصور است. حال با جمع شرایط همین که قانون‌گذار با ورود شهروندان عادی به نظام عدالت کیفری موافقت کرده امری میمون است ولی می‌تواند با تجدیدنظر در این ماده از آسیب به اصل عدالت مشارکتی جلوگیری نماید (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۴۴).

نتیجه

مشارکت مردم می‌تواند به روند رسیدگی کمک شایانی نماید هم از نظر سرعت رسیدگی و هم اینکه فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌تواند به گزارش‌دهی و همکاری با مسئولین و همچنین پیشگیری از وقوع جرم کمک نماید. سیاست جنایی مشارکتی تضمین امنیت جامعه با ترکیب پیشگیری و پاسخ‌دهی به مجازات و بازپذیرسازی اجتماعی بزه‌کاران است. در واقع امنیت به‌عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد لذا از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند که همه سیاست‌گذاران جنایی آن را درک کرده‌اند، می‌توان گفت که سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید. هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی یعنی تأمین امنیت می‌تواند با سیاست‌گذاری دولتی و جامعه‌ی یعنی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزه‌کاری و نیز بازپذیرسازی بزه‌کاران منجر شود. مشارکت‌دادن اطراف دعوا در حل و فصل منازعات حقوقی نوعی توسعه بخشی قضایی در میان مردم است و از طرفی باعث تحمیل هزینه‌های کیفری بر دوش بزه‌کار خواهد شد، چراکه با ارجاع امر به میانجیگری و اجازه شرکت‌دادن فرد بزه‌کار در مجازات به نوعی تحمیل بخشی از هزینه‌های قضایی از جامعه بر دوش بزه‌کار است. در جرایمی

۳۱- تبصره ۱: چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

که توسط بزه‌کار انجام می‌گیرد این بزه‌دیده و جامعه خواهد بود که باید هزینه دادرسی و نگهداری مجرمان را به دوش کشند و هیچ هزینه‌ای بر دوش بزه‌کار گذاشته نمی‌شود، البته این مسئله نافی ضررهای مادی و معنوی جرم نیست، با عدم مجازات نوعی ایجاد دین بر ذمه وی خواهد بود چراکه با مجازات بزه‌کار، بزه‌کار را در مقابل جامعه قرار خواهیم داد و ممکن است در آینده در صدد انتقام بر آید. با این حال حرکت از نظام اصلاح و درمان به سمت عدالت ترمیمی و از عدالت ترمیمی به عدالت مشارکتی نوعی جهش در تغییر مجازات است.

منابع

- آشوری، محمد و خدادی، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۲.
- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، **سیاست جنایی مشارکتی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- رستمی، ولی، ۱۳۸۶، مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۲.
- فرهمند، مجتبی، ۱۳۹۶، **جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران**، تهران، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- کوشا، جعفر و زارعی، محمدحسین، ۱۳۹۰، اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین‌المللی کیفری، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ویژه نامه شماره ۷.

قوانین

- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹
- آیین نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulain, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**